## بلاگرها، ترویج روزه‌خواری نکنند

رئیس پلیس فتای استان خراسان رضوی کاربران و دارندگان صفحات اینستاگرامی را دعوت به رعایت حرمت روزه‌داران در ماه مبارک رمضان در فضای مجازی کرد.

به گزارش جام‌جم ۲۴، سرهنگ جواد جهانشیری گفت: با رصد و پایش فضای سایبری کارشناسان پلیس فتا مشخص شد عده‌ای از افراد که از تعداد قابل‌توجهی مخاطب نیز برخوردارند، نسبت به رعایت شئونات ماه مبارک رمضان و امتناع از خوردن و آشامیدن هنگام روزه‌داری بی‌توجه بوده و با ساخت و نشر کلیپ‌ها و تصاویری از روزه‌خواری، قصد حرمت‌شکنی ماه مبارک را دارند.

وی افزود: از همه افرادی که از تعداد مخاطب بالایی در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی برخوردارند خواسته می‌شود در فضای اقتصادی امروز که ممکن است برای برخی افراد تهیه مایحتاج اولیه زندگی نیز به سختی انجام پذیرد، از انتشار تصاویر و کلیپ‌هایی حاوی مصرف‌گرایی و ترویج زندگی‌های اشرافی پرهیز کنند.

### گزارش جام‌جم از مرگ تلخ ۲ کودک در رودخانه مرزی

# تلاش ناکام خواهر برای نجات برادر

لیلا حسین‌زاده
حوادث

غم پدر و مادر امیرعلی و فاطمه قابل وصف نیست. یکی بر سر می‌کوبد و دیگری از شدت درد و ناراحتی موی پریشان‌کرده و با چنگ و ناخن صورت می‌خراشد. حالا نه‌تنها اهالی روستای آزادلوی شهرستان گرمی که روستاهای همجوار هم می‌دانند چه مصیبتی به سر خانواده تیزچنگ آمده و چطور رودخانه مرزی سلاله‌چای بالهارود با هفت متر عمق، جان دو نوگل ۷ و ۱۱ ساله آنها را در آخرین روز تعطیلات نوروز گرفته است.

چهره خندان و کودکانه امیرعلی و فاطمه یک لحظه هم از جلوی چشمان اشکبار و به خون نشسته پدر و مادرشان دور نمی‌شود و هنوز هم باور ندارند میوه‌های زندگی‌شان را به این آسانی از دست داده‌اند. هر لحظه منتظرند دو کودک شاد و سرخوش از در وارد شوند و قربان صدقه قد و بالای‌شان بروند اما می‌دانند این انتظار بیهوده است و هرگز به پایان نخواهد رسید.

پدر امیرعلی و فاطمه درحالی‌که صدایش از شدت غم می‌لرزد به جام‌جم می‌گوید: ما در شهرستان گرمی اردبیل زندگی می‌کنیم و در ایام عید همراه با خانواده به روستای آزادلو آمدیم تا در کنار سایر اقوام‌مان باشیم. من مبتلا به میگرن هستم و وقتی عود می‌کند به استراحت نیاز دارم و نمی‌توانم از خانه خارج شوم. روز حادثه هم میگرن من عود کرده بود و در خانه بودم. امیرعلی و فاطمه با بچه‌ها بازی می‌کردند و شوق زیادی داشتند. وقتی خوابیدم، خواب بدی دیدم. یک نفر به من گفت سیل بچه‌هایت را خواهد برد. از خواب که بیدار شدم به‌شدت نگران بودم اما در مورد خوابم با هیچ‌کس صحبت نکردم. همگی به مغازه رفتند تا خوراکی بخرند و در طبیعت روستا بازی کنند. من هم به خانه یکی از اقوام رفتم که سراغ بچه‌ها را گرفت و گفتم بیرون هستند. ساعت ۱۳ و ۱۰ دقیقه سیزده به‌در می‌خواستم چرت کوتاهی بزنم که یکی از بچه‌ها با هول و ولا آمد و گفت بیا که امیرعلی و فاطمه را آب برد. با خودم گفتم خدایا چطور ممکن است، یعنی خوابم تعبیر شده است.

### مرگ ناباورانه فرزندان

خواب پدر به واقعیت تبدیل شده بود. روز حادثه بچه‌های زیادی کنار رودخانه سلاله‌چای بالهارود که نزدیک روستای آزادلو است، بازی می‌کردند و امیرعلی و فاطمه هم همراه آنها بودند. دایی بچه‌ها به آنها دائم تذکر و هشدار می‌داد که از نزدیک‌شدن به رودخانه سرکش خودداری کنند اما ذوق بازی با آب خروشان باعث شد تا آنها توجهی به هشدارهای دایی‌شان نداشته باشند. همان‌طور که بچه‌ها مشغول بازی و شیطنت بودند، ناگهان امیرعلی داخل رودخانه که هفت متر عمق داشت، سقوط کرد. فاطمه وقتی متوجه افتادن برادرش در آب شد به سمت امیرعلی دوید تا او را از آب بگیرد. دایی‌شان هم خودش را به آب زد تا او را بیرون بکشد.

فاطمه که می‌دید چیزی به غرق‌شدن برادرش نمانده به دایی‌اش گفت به خانه برود و کمک بیاورد، غافل از این‌که خطر در کمین فاطمه هم بود. او هم با حالتی پریشان به خانه رفت و اطلاع داد که امیرعلی و فاطمه به رودخانه سقوط کرده‌اند.

پدر ادامه می‌دهد: با شنیدن این خبر به‌شدت شوکه شدم و تصور می‌کردم آنها مشغول بازی هستند اما هر دو گرفتار آب شده بودند. دخترم فاطمه رفت که برادرش را نجات دهد اما خودش هم گرفتار امواج و عمق زیاد رودخانه شد. وقتی خبر را شنیدم به‌سرعت به سمت رودخانه رفتم اما هر دو زیر آب کشیده شده بودند و بچه‌هایم را با هم از دست دادم. بعد از این اتفاق، فامیل خودم و اهالی روستاهای دیگر و هلال‌احمر گرمی به کمک‌مان آمدند تا بتوانیم بچه‌ها را پیدا کنیم. عمق آب در روز حادثه، هفت متر بود اما الان کم شده است.

جست‌وجوها سرانجام نتیجه داد و ابتدا پیکر فاطمه در همان روستای آزادلو پیدا شد و ۱۵ فروردین هم جسد امیرعلی در روستای مهدی خان‌لو از آب گرفته شد. «مثل هر پدری عاشق بچه‌هایم بودم. من به جز فاطمه و امیرعلی یک فرزند دیگر هم دارم که هنوز نوزاد است اما نمی‌دانم چرا این بلا و مصیبت سرمان آمد. این سرنوشت بسیار تلخی بود که خداوند برای بچه‌هایم مقدر کرده بود.»

**تلاش‌های دختر ۱۱ ساله برای نجات برادرش بی‌نتیجه ماند و جسد خواهر و برادر با جست‌وجوی اهالی و امدادگران پیدا شد**

## نجات مرد دلارفروش از چوبه‌دار به حرمت ماه رمضان

مرد دلار فروش که برای گرفتن طلب ۴۲۸ میلیونی‌اش، دایی مرد بدهکار را کشته بود به حرمت ماه رمضان بخشیده شد و از قصاص نجات پیدا کرد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، فرشید ۴۶ ساله ۲۸ اسفند ۹۶ پس از آن‌که نتوانست طلب ۴۲۸ میلیون تومانی خود را از مردی که با او معامله دلاری داشت بگیرد، دایی او را کشت و دو ماه بعد در ساختمان نیمه‌کاره‌ای در محله ولنجک شناسایی و بازداشت شد. او در بازجویی‌ها گفت: مدتی بود با مرد جوانی در زمینه خرید و فروش دلار همکاری داشتم. طلاهای همسرم و گوسفندانم را فروختم و ۴۲۸ میلیون تومان به او دادم تا دلار بخرد اما بعد از آن ناپدید شد. از این مرد به اتهام کلاهبرداری شکایت کردم. چند روز قبل از جنایت، سلاح خریده و به خانه مرد بدهکار رفتم اما آنجا نبود و خانواده‌اش را تهدید کردم. ظهر روز بعد به‌طور اتفاقی دایی‌اش را در چهارراه گلوبندک دیدم. تصور کردم مخفیگاه خواهرزاده‌اش را می‌داند. دنبالش رفتم و چون اعصاب و روانم به‌هم ریخته بود، دو گلوله به او شلیک کرده و وی را بی‌گناه کشتم.

قاتل پس از محاکمه در دادگاه کیفری، حکم قصاص گرفت که این حکم در شعبه ۳۲ دیوان‌عالی کشور تائید شد.

امین کرمانی‌نژاد، قاضی شعبه چهارم اجرای احکام دادسرای جنایی تهران در این‌باره به جام‌جم گفت: در این چهارسال باتوجه به ابراز ندامت مرد اعدامی و به‌خاطر فرزندانش با خانواده مقتول حرف زدیم و حدود ۹ جلسه صلح‌وسازش برای جلب رضایت برگزار کردیم اما آنها خواستار قصاص بودند و چون حکم تائید شده و مرد زندانی در آستانه اجرای حکم قصاص قرار داشت، آخرین جلسه صلح‌وسازش را برقرار کردیم و تلاش‌ها نتیجه داد و اولیای دم مقتول، مرد اعدامی را در ماه رمضان به شرط پرداخت دیه بخشیدند.

**بلدیه**

### مرگ تلخ پاکبان کرجی در تصادف

## به نام پاکبان، به کام پیمانکار

محمد غمخوار
دبیر حوادث

هواگرگ و میش بود که زیر لب یک بسم‌ا... گفت و از خانه بیرون رفت. بیرون رفتنی که با بقیه روزها فرق داشت و این بار بازگشتی در کار نبود. مدت‌ها بود به عنوان پاکبان با یک شرکت پیمانکاری در کرج کار می‌کرد. خورشید هنوز به طاق آسمان نرسیده بود که خستگی و ضعف ناشی از روزه، توانش را نصف کرد. برای بهتر شدن حالش، کنار جدول پل حصارک نشست تا نفسی تازه کند. چند دقیقه با نگاه، خودروهایی که از مقابلش رد می‌شد را بدرقه‌کرد اما باید کارش را تمام می‌کرد. دست روی زانو گذاشت تا بلند شود ولی صدای ترمز و بعد از آن تصادفی هولناک او را کنار گاردیل پل پرت کرد.

با تماس شاهدان و گزارش این حادثه، امدادگران اورژانس و ماموران پلیس در محل تصادف حاضر شدند اما شدت جراحات باعث شد اسماعیل اسلامی، پاکبان وظیفه‌شناس کرجی در جدال با مرگ ناکام بماند و قبل از رسیدن به بیمارستان جان خود را از دست دهد.

رئیس پلیس کرج درباره علت این تصادف گفت: با حضور ماموران در محل حادثه مشخص شد یک دستگاه پراید تاکسی با کارگر شهرداری روی پل حصارک برخورد کرده و عابر به دلیل شدت جراحات جانش را قبل از رسیدن به بیمارستان از دست داده است. کارشناسان پلیس راهور علت حادثه را بی‌توجهی راننده خودروی پراید به جلو عنوان کردند. آن‌طور که یکی از شاهدان ماجرا برای جام‌جم روایت کرده، برای حفظ ایمنی این کارگر فقط از یک بشکه پلاستیکی استفاده شده بود. راننده پراید تصور نمی‌کرد کارگران روی پل مشغول کار باشند و به همین خاطر وقتی با مانع پلاستیکی و پاکبان روبه‌رو شد نتوانست خودرو را متوقف کند و این تصادف تلخ رقم خورد.

وقتی پای صحبت نارنجی‌پوشان بنشینید آنها از بی‌مهری مدیران شهری گلایه دارند. آنها نظارت نداشتن شهرداری و تخلف برخی پیمانکاران شهرداری در رعایت اصول ایمنی را علت اصلی این تصادفات می‌دانند و می‌گویند: اگر اعتراض کنی، خیلی راحت بیکار می‌شوی. قرارداد درست و درمانی که نداریم. پیمانکار هر وقت بخواهد اخراجمان می‌کند. الان همه جا از دستگاه‌های مکانیزه استفاده می‌کنند اما در ایران هنوز از موانع پلاستیکی استفاده می‌شود که هشداری است و سدی در برابر رانندگان بی‌احتیاط نیست.

ماجرای مرگ پاکبانان هنگام انجام وظیفه در تصادف، به قصه‌ای سریالی و تلخ تبدیل شده که در سایه بی‌تدبیری همچنان شاهد آن هستیم. مرداد سال گذشته و با مرگ مرحوم شاهمرادی که در حال نظافت خیابان زیر پل استاندارد کرج بود، بحث ایمنی پاکبانان و استفاده از تجهیزات غیرانسانی برای تغییر مسیر حرکت خودروها مطرح شد. موضوعی که خیلی زود فراموش و باعث شد سه پاکبان دیگر در این شهر قربانی بی‌تدبیری شوند. به نظر می‌رسد، ایمنی حلقه مفقوده نارنجی‌پوشان باشد و اگر فکری جدی برای این موضوع نشود، همچنان شاهد وقوع حوادث تلخ مشابه خواهیم بود.

علی مصطفوی، کارشناس ایمنی، شهر معتقد است بی‌توجهی به ایمنی پاکبانان باعث شده، هر سال شاهد حوادث تلخ و گاهی مرگبار برای پاکبانان باشیم. در حال حاضر این کار به پیمانکاران سپرده شده و برخی برای کسب سود بیشتر در قرارداد، به ایمنی و تجهیز پاکبانان به لباس‌های ویژه کار در شب توجهی نمی‌کنند. درست است که این وظیفه به پیمانکاران سپرده شده اما مدیران شهری باید بر عملکرد آنها و حفظ جان پاکبانان نظارت کنند و در صورت کم‌کاری با متخلفان برخورد جدی داشته باشند. رانندگان هم باید هنگام رانندگی در نیمه‌های شب به‌خصوص نزدیک طلوع خورشید از سرعت بالا در حاشیه‌های اتوبان و خیابان خودداری کنند. پیشنهاد می‌شود پاکبانان از لباس‌های چراغ‌دار که هشداردهنده هستند، موانع و خودروهای مکانیزه استفاده کنند تا جان این قشر پرتلاش حفظ شود.

**عدلیه**

## دستگیری مرد هتاک با دستور دادستان

پس از انتشار فیلم هتاکی یک راننده به مادر یک کودک مبتلا به اوتیسم که دو روز پیش در فضای مجازی منتشر شد، دادستانی عمومی و انقلاب تهران، دستور بازداشت این فرد را صادر کرد و راننده هتاک بازداشت شد.

شامگاه سه‌شنبه فیلمی در فضای مجازی منتشر شد که در آن، مرد جوانی به بهانه این‌که خانمی در محل پارک ویژه معلولان پارک کرده، به سمت خودروی وی حمله‌ور شد و ضمن بر زبان راندن جملاتی نامناسب در حضور کودک، با ضربات مشت به خودروی مادر کودک اوتیسمی خساراتی وارد و او را به رفتارهای خلاف اخلاق تهدید کرد. با انتشار این فیلم، علی صالحی، دادستان تهران بلافاصله دستور پیگیری فوری موضوع را صادر کرد که براساس آخرین اخبار منتشرشده در این خصوص، راننده هتاک دستگیر شد و برای انجام تحقیقات بیشتر در اختیار مقام قضایی قرار گرفت. تحقیقات پلیس فتای تهران برای روشن شدن زوایای پنهان این ماجرا ادامه دارد.

**نظمیه**

## آزار شیطانی زن جوان در پاتوق معتادان

سه مرد شیطان‌صفت که پس از ربودن زن جوان در پوشش مسافربر، او را در پاتوق معتادان، زندانی و مورد آزار و اذیت قرار داده بودند، در دام پلیس گرفتار شدند. زن جوان با وعده پرداخت پول توانست از دام آدم‌ربایان فرار کند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، در آخرین روزهای سال گذشته زن جوانی برای خریدهای نوروزی از خانه‌اش در تهران خارج و پس از آن ناپدید شد. با طولانی شدن غیبت زن جوان، شوهرش با مراجعه به پلیس آگاهی شکایتی را مطرح و خواستار پیگیری سرنوشت همسرش شد. پرونده‌ای در اداره یازدهم پلیس آگاهی پایتخت تشکیل شد و تیمی از ماموران تحقیقات در این باره را آغاز کردند.

سه روز پس از ناپدید شدن بهنوش، شوهرش با پلیس تماس گرفت و از آزادی همسرش توسط آدم‌ربایان خبر داد. تیمی از ماموران سراغ بهنوش رفته و به تحقیق از او پرداختند که زن جوان در تشریح ماجرا گفت: روز حادثه برای خرید پایان سال از خانه خارج شده و منتظر تاکسی بودم که خودروی پرایدی با دو سرنشین در مقابلم توقف کرد. به تصور این‌که مسافربر است سوار شدم. پس از طی مسافتی آنها با تهدید چاقو سر من را زیر صندلی برده و طلاها و گوشی‌ام را سرقت کردند. در حوالی میدان شوش مرد دیگری سوار خودرو شد و مرا به خانه‌ای بردند که پاتوق معتادان و موادفروشان بود. در آنجا قرص‌هایی به من می‌دادند که توان مقاومتم را می‌گرفت و مرا مورد آزار و اذیت قرار دادند. در این مدت سعی کردم اعتماد یکی از آدم‌ربایان را جلب کنم. به او قول دادم اگر کمک کند بتوانم فرار کنم، پول خوبی به او می‌دهم. با کمک پسر جوان، درنهایت همدستانش راضی شدند مرا رها کنند.

سرهنگ کارآگاه مرتضی نثاری، معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی پایتخت در این باره گفت: در ادامه تحقیقات، کارآگاهان اداره یازدهم پلیس آگاهی پایتخت موفق به دستگیری مردان خشن شده و آنها به جرم خود اعتراف کردند. تحقیقات برای کشف جرایم احتمالی در این خصوص ادامه دارد.

**تلنگر**

## انتقام دختر جوان از سارق فراری

دختر جوان وقتی فهمید دوستش با پول‌های سرقتی به ترکیه رفته تا با دختر دیگری ازدواج کند، او را لو داد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، اوایل مهر سال گذشته تاجر سالخورده‌ای به پلیس آگاهی تهران رفت و با طرح شکایتی عنوان کرد؛ وقتی با خانواده‌اش از سفر به خانه ویلایی‌شان در شمال پایتخت بازگشت متوجه سرقت اموالش از جمله طلا، دلار، جواهر و اموال قیمتی به ارزش سه میلیارد تومان شده‌است. ماموران برای کشف سرنخ‌هایی از سرقت راهی خانه مرد تاجر شده و با بررسی دوربین‌های مداربسته، تصویر سارق را به دست آورده که با سرقت اموال، آنها را داخل کوله‌پشتی ریخته و فرار کرده بود. بعد از گذشت شش ماه از سرقت، اوایل فروردین امسال دختری جوان نزد بازپرس کشیک دادسرای ناحیه ۳۴ تهران رفت و اعلام کرد، سارق خانه مرد تاجر را می‌شناسد.

او در تحقیقات گفت: هشت ماه قبل در جشن تولد دوستم با پسری به نام بهروز آشنا شدم. به هم علاقه‌مند شدیم و تصمیم به ازدواج گرفتیم. یک شب در جشن تولدی با پیرمرد تاجر آشنا شدیم. او از من خواست با پیرمرد طرح دوستی بریزم و کلید خانه‌اش را به دست بیاورم تا از آنجا سرقت کند. من هم طبق خواسته‌اش عمل کردم. بعد از سرقت، اموال دزدی را فروخت و به ترکیه رفت و آنجا با دختری ازدواج کرد. وضعیت روحی‌ام به هم ریخت و دو ماه تحت درمان بودم. چند روز قبل متوجه شدم بهروز به خانه پدرش آمده و آنجاست. با این اطلاعات، دو روز پیش جوان سارق در خانه پدری‌اش بازداشت شد و گفت: دو سال قبل در اینستاگرام با دختری آشنا شده و قصد ازدواج داشتیم اما او به ترکیه رفت. قرار شد پول‌هایم را جمع کنم و نزدش بروم. در مهمانی‌های شبانه با شیوا آشنا شدم. با کمک او نقشه سرقت از خانه پیرمرد تاجر را اجرا کردم. بعد هم به ترکیه رفتم و با دختر مورد علاقه‌ام ازدواج کردم.

## انهدام باند کلاهبرداری اینترنتی

اعضای یک باند کلاهبرداری اینترنتی از حساب مردم، یک میلیارد تومان برداشت غیرقانونی کردند.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی پلیس فتا، سرهنگ داوود معظمی‌گودرزی، رئیس پلیس فتای تهران در این‌باره گفت: در پی مراجعه تعدادی از شهروندان به پلیس فتای پایتخت مبنی بر برداشت غیرمجاز از حساب‌شان بعد از دریافت پیامک جعلی سامانه ثنا و ابلاغ قضایی، موضوع در دستور کار پلیس قرار گرفت. در این ترفند با عنوان سامانه «ثنا»، عده‌ای از مجرمان سایبری با طراحی و ارسال پیامک حاوی یک لینک آلوده به بدافزار فیشینگ، کاربران را ترغیب به ورود به سامانه جعلی و مشاهده ابلاغیه خود در برابر واریز وجوه اندک می‌کنند. کارشناسان پلیس فتای پایتخت بلافاصله اقدامات تخصصی خود را آغاز کرده و با تلاش شبانه‌روزی و بهره‌گیری از روش‌های فنی و علمی موفق شدند رد مجرمان را بزنند و هویت سه عضو باند را شناسایی کنند.

همچنین مشخص شد اعضای این باند با درج آگهی‌های جعلی استخدام در حوزه رمزارز و دریافت مدارک هویتی شهروندان و حساب‌های کاربری آنها در صرافی‌های اینترنتی، اقدام به سوءاستفاده از این مدارک می‌کردند. متهمان در یکی از مناطق جنوبی تهران در مخفیگاه خود دستگیر و همراه تجهیزات الکترونیک به پلیس فتا منتقل شد. متهمان در تحقیقات به دستبرد به حساب بیش از ۶۰ نفر و برداشت یک میلیارد تومان اعتراف کردند.

## ۷ کشته در تصادف آتشین

تصادف و آتش گرفتن خودروی پراید و پژو ۴۰۵ در محور کهورستان بندر خمیر به لارستان منجر به مرگ هفت نفر شد.

دکتر حسین قاسمی، رئیس اورژانس پیش‌بیمارستانی و مدیر حوادث دانشگاه علوم پزشکی استان هرمزگان به ایرنا گفت: ساعت ۶ و ۳۰ دقیقه صبح چهارشنبه - دیروز - گزارش یک فقره تصادف و آتش گرفتن دو خودروی پراید و پژو ۴۰۵، در محور کهورستان بندر خمیر به لارستان به اورژانس اطلاع داده شد. نیروهای امدادی به محل رفتند و معلوم شد خودروها آتش گرفته‌اند و دو سرنشین خودرو پژو ۴۰۵ و پنج سرنشین پراید فوت شدند. شدت سوختگی به‌قدری بوده که هویت اجساد قابل شناسایی نبود.